

چرایی خیرخواهی و نظارت متقابل مردم و کارگزاران و افراد جامعه بر هم

دکتر حسین ایزدی^۱

تاریخ وصول: ۹۵/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۹

چکیده:

در بحث چرایی خیرخواهی نظارت مردم و حاکمیت بر هم از مهم‌ترین سند قانونی که سند مهم و اساسی و میثاق روابط جامعه و حاکمان است قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان منبع استفاده شد؛ در این قانون اصل هشتم به امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان عاملی بر نظارت متقابل مردم و کارگزاران و افراد جامعه بر هم می‌داند. مقاله محور بحثی را که انتخاب نموده و حجم مطالبی را که عرضه می‌کند ظرفیت تحقیقی یک رساله را داشته ولی با اختصار و بدون گذر کردن و مهمل گذاشتن حتی یک نظریه به بحث پرداخته و چون بر اساس قانون اساسی (اصل چهارم و صد شصت و هفتم) تمام قوانین در نظام جمهوری اسلامی باید بر مبنای اسلام باشد به طور طبیعی از قرآن و سنت که منبع و مبنای مطالب دینی است باید صحت و درستی قوانین را استخراج نمود. در مقاله‌ی حاضر حتی می‌شد با استناد به یکی از این دو منبع مطالب را عرضه نمود ولی برای اتقان کار و به اصطلاح سنگ تمام گذاردن از هر دو منبع استفاده شد و در نتیجه ابعاد مختلف بررسی و در قانون نیز مسئله پیگیری شد.

مفاهیم کلیدی: امر، نهی، معروف، منکر، نظارت، خیرخواهی، مردم، کارگزاران

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز izadihamid75@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

نظام حاکم بر کشور ما با پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران نامگذاری شده است، این سیستم با این عنوان در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه سال ۱۳۵۸ با رأی مثبت ۹۸/۲٪ کلیه‌ی کسانی که حق رأی داشتند به رسمیت شناخته شده و قانونی گردید (اصل اول قانون اساسی).

بر طبق اصل چهارم قانون اساسی این نظام که در سال ۱۳۵۸ به تصویب خبرگان مدون قانون اساسی رسیده و عیناً بدون کمترین تغییر در بازنگری سال ۱۳۶۸ نیز تثبیت شده: "کلیه‌ی قوانین باید بر اساس موازین اسلامی باشد که این اصل بر اطلاق یا عموم شامل همه‌ی اصول قانون اساسی و بر قوانین و مقررات دیگر حاکم است" (اصل چهارم قانون اساسی).

وقتی سخن از مطابقت با موازین اسلامی می‌شود، تطبیق و مطابقت با موازین فقهی و معیارهای حقوقی اسلامی (که در سیستم ما، بخش غیر عبادی فقه همان حقوق و یا به سخن دقیق‌تر، اساس حقوق و مبنای آن مبتنی بر فقه است، چرا که در فقه هم از عبادات و هم حقوق بحث می‌شود و مباحث عبادی فقه ربطی به مسائل حقوقی ندارند). اگر نگوییم تنها مجرا و محل و پایگاه این انطباق و بررسی، فقه است، حداقل فرد شاخص و مورد کامل از علوم اسلامی که صلاحیت این بررسی را دارد، فقه است.

بررسی و تطبیق قوانین با اسلام و راه‌یابی به مبانی فقهی آن‌ها و مستند نمودن قوانین بر ریشه‌های فقهی به عمق بخشی و یا پربار نمودن اندیشه‌های حقوقی، کمک قابل توجهی می‌نماید.

این مقاله و هدف این صفحات، بررسی اصل هشتم قانون اساسی با این رویکرد و راه کار می‌باشد که بیان چرایی خیرخواهی و نظارت متقابل مردم و کارگزاران و افراد جامعه بر هم است.

در اصل هشتم قانون اساسی می‌خوانیم "در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت؛ شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند: (بعضی مردان و زنان مؤمن ولایت و سرپرستی نسبت به هم دارند به خوبی‌ها فرمان و از بدی‌ها بازدارنده باشند)" (سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱). شروع مبحث را با بیان "آیات الهی بیانگر مسئله" آغاز می‌کنیم.

در ابتدای امر برای زیادی اطلاعات و راه‌یابی به یک کار عمیق، که در شناخت آیات و روایات نیز کمک شایان توجه می‌نماید، بررسی واژگان و یا دو اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر، خالی از لطف و حسن نیست.

امر به معروف: به هر کاری که بر مبنای عقل یا از روی مبنا و ملاک شرع خوب و نیکو شمرده شود معروف می‌گویند (راغب الاصبهانی، بی‌تا، ذیل ماده‌ی امر به معروف). توجه به نکته‌ی دیگری که در بحث امر به معروف لازم است، کاربرد اصطلاح امر است. خواستن انجام کاری به وسیله‌ی دیگری در صورت پایین‌تر بودن و جایگاه نازل‌تر داشتن خواهان از فاعل و یا عامل را، در اصطلاح "التماس" و به فارسی خواهش و تمنا می‌نامند. خواستن کار توسط هم مرتبه‌ی کسی از نظر جایگاه و موقعیت از فاعل یا عامل را، دعوت می‌گویند.

اما در بحث ما اصطلاح، امر است؛ و این خود گویای برتری و والاتر بودن شأن خواهان یا در اصطلاح "امر" می‌باشد و حتی ممکن است این نکته نیز اصطیاد گردد که برای اجرای امر به معروف و محقق ساختن خواسته‌ی "امر"، یافتن و دسترسی به منزلت والاتر و یا نوعی مدیریت بر "مأمور" و انجام دهنده‌ی معروف لازم است و اگر به انصاف بنگریم با این نوع تحلیل، به طور قطع، امر به معروف شأنی و مقامی در خور مسئولان و مدیران صالح جامعه پیدا می‌نماید؛ و در اصطلاح فقهی می‌توان این‌گونه استدلال نمود که اگر انجام امری، و تحقق وظیفه‌ای مبتنی بر مقدمات خاصی باشد، خواسته‌ی آن "ذی‌المقدمه"، خواستن مقدمه نیز هست. در اصطلاح کسی که از فاعل و مکلفی انجام وظیفه‌ای را می‌طلبد و انجام آن وظیفه هم از نظر عقلی و هم از نظر دلایل نقلی و به اصطلاح "سمعی" (شنیداری) مبتنی و موکول به انجام مقدمه است، پس خواسته‌ی "امر" و خواسته‌ی آن ولی "لازم‌الطاعت" در اساس مبتنی بر دو قسمت است که به‌طور صریح ذی‌المقدمه یا خواسته مطرح می‌شود ولی چون انجام آن فرع وجود مقدمات است، مقدمات نیز واجب است، پس کسب "آمریت" و جایگاه یا بی‌اینکه مسائل معروف در جامعه تحکیم گردد و منهیات و یا منکرات از جامعه بنیان‌کن شود، در ضمن اوامر و نواهی شرعی نهفته است. دقت شود که با این‌گونه استدلال جایگاه امر به معروف و نهی از منکر چه جایگاه ویژه‌ای در فقه حکومتی و یا فقه‌الدوله یافته و به‌طور دقیق و با این تحلیل به صورت واضح، می‌توان تأییدی بر اصل سازماندهی طلبی و حکومت‌گرایی اندیشه‌های دینی در اسلام یافت حتی کسانی که در دلایل نظری وجود حکومت و نیاز به سازماندهی در دین شک و شبهه‌ای دارند و یا آن دلایل را کافی نمی‌دانند، اینجا به‌طور قطع چون دلایل وجوب امر به

معروف و نهی از منکر، تام است برای تحقق این کار، به کسب مقام "آمریت" و جایگاه یاب بودن یعنی وادارکننده‌ی به کار خیر و بازدارنده و مانع کارهای پست شدن، ملتزم می‌گردند.

امر به معروف (خیرخواهانه خواهان تصحیح کردن) و نهی از منکر (نظارت بازدارنده از پلیدی) از دیدگاه قرآن

برای رسیدن به نتایج روشن و به اصطلاح بحثی شفاف در این موضوع در دو عنوان ۱- امر به معروف و ۲- نهی از منکر در حد وسع و توان به کتاب الهی قرآن نظری افکنده و از آن کسب فیض می‌نماییم.

امر به معروف در قرآن

با تتبع و دقت در آیات می‌توان این عنوان‌ها یا سرفصل را جزء مهم‌ترین سرفصل‌ها و به اصطلاح "مدخل" های ورود به مباحث قرآنی امر به معروف دانست.

الف) اهمیت امر به معروف

ب) آثار امر به معروف

ج) پیشینه‌ی امر به معروف

د) ویژگی‌ها و اوصاف آمران به معروف

(هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۳۶۶).

الف) اهمیت امر به معروف

۱- در قرآن می‌خوانیم باید از بین شما کسانی باشند که به نیکی (خوبی) دعوت کنند و به کار شایسته (معروف) فرمان داده و از زشتی باز دارند و هم این گروه هستند که رستگار می‌باشند (آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴).

عطف امر به معروف به دعوت به خوبی‌ها از یک سوی و از سوی دیگر اینکه این آیه در قرآن پس از آیه‌ی ۱۰۳ آمده است که در آن آیه دعوت به تمسک و چنگ زدن و یا پناه‌جویی به عامل ارتباط الهی کرده و بدین وسیله راه رسیدن به وحدت را گوشزد فرموده است، اهمیت امر به معروف را می‌رساند و اینکه "خیر" و "خوبی" مصداق بارز و ارزشمند آن، "معروف" بوده و دعوت به خیر و امر به معروف جامعه را از عوامل تفرقه‌انگیز حفاظت می‌نماید.

در اهمیت این مسئله همین بس که در متن جامعه بایستی گروهی باشند که بر این وظیفه اقدام نمایند و این امر مهم را در جامعه تداوم بخشند که دعوت به خیر، خواندن جامعه به ارزش‌ها و وادار نمودن آنان به انجام اسباب شایستگی و ارزشمندی، مفاد آن است.

۲- در سوره‌ی لقمان می‌خوانیم: ای فرزند عزیز نماز را برپادار و به نیکی امر نموده و از پستی بازدار و بر آنچه در این راه از سختی‌ها به تو می‌رسد صبر نما که این مسئله از کارهای مهم است (سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۷).

وقتی صبر بر سختی‌های ناشی از امر به معروف و انجام فرائض و ارتباط با خدا کار مهم و در خور ذکر باشد خود امر به معروف و ارتباط با خداوند نیز که در صدر آیه از آن بحث شده، دارای اهمیت و جایگاه خاصی می‌گردند.

دقت در آیه و اینکه امر به معروف در ردیف تحکیم پیوند با خداوند (اقامه‌ی نماز) بیان گردیده جایگاه مسئولیت اجتماعی انسان و پایگاه عبادی این فریضه که در کنار مهم‌ترین امر عبادی و مظهر ارتباط انسان با خدا مطرح می‌گردد را بیان می‌کند و بالاخره نکته‌ی ارزشمند، اینکه در اساس، عبادت و رابطه با اجتماع، یا فعل عبادی نماز و فعل اجتماعی امر به معروف، مکمل و اتمام‌گر هم می‌باشند و امر به معروف از اصلی‌ترین ارزش‌ها معرفی شده است.

۳- باز در سوره‌ی آل عمران می‌خوانیم شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده‌اید (از بین جوامع انسانی مطرح شده‌اید) به نیکی و ارزش‌ها وامی‌دارید (فرمان می‌دهید) و از پستی‌ها و رذالت‌ها نهی کرده و بازدارنده هستید و به خداوند ایمان دارید (آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰).

اصلاح جامعه بدون امر به معروف و نهی از منکر و یا دعوت به حق و مبارزه با منکر غیر ممکن است اما اینکه در این آیه، ایمان به خدا و ایمان آوردن را که با صیغه‌ی مضارع استعمال فرمود، که معنی استمرار و تداوم را می‌رساند، عطف و مؤخر بر بحث امر به معروف بیان نمود، دو نکته را اشعار می‌دارد. نکته‌ی اول اهمیت و جایگاه مهم امر به معروف را می‌رساند و نکته‌ی دوم حائز توجه، اینکه با امر به معروف است که ایمان در جامعه گسترش یافته (توسعه‌ی مکانی) و استمرار (توسعه‌ی زمانی) می‌یابد و در تاریخ ساری و جاری می‌گردد. پس حفظ اعتقاد دینی و تداوم ایمان و توسعه‌ی آن در گستره‌ی زمین و زمان موکول و در گرو امر به معروف است.

۴- امر به معروف، معیاری برای ارزش و شایستگی است: همه‌ی آن‌ها یکسان نیستند (با توجه به مذمت و بدگویی که از اهل کتاب در آیات قبلی شده) از صاحبان ادیان سابق کسانی هستند که پیوسته آیات کتاب را در لحظات شب می‌خوانند و سجده گذارند و به خدا و روز واپسین ایمان دارند و به کار معروف، (پسندیده) فرمان می‌دهند (آل عمران، آیات ۱۱۳ و ۱۱۴).

قرآن با توجه به سوء اقدام اهل کتاب از نیکان آنان تجلیل کرده و ملاک این تجلیل و معیار این ارزش‌گذاری ایمان به خدا و آخرت و اعمال عبادی و "امر به معروف" است (هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۳۷۰) و (پوریوسف، ۱۳۸۷: ۱۸۵-۱۸۶).

۵- اینکه یکی از علامت‌ها و نشانه‌ها و یا به اصطلاح آدرس‌هایی که از پیامبر بزرگوار اسلام در کتاب‌های عهد قدیم (تورات) و عهد جدید (انجیل) داده می‌شود، امر به معروف بودن اوست، شاخص بودن این وصف و اهمیت اساسی و بنیادی آن را می‌رساند. در ادامه می‌فرماید: "مصدق کسانی که در زمانه‌ی پیامبر شامل رحمت خاص قرار گرفتند، کسانی هستند که از پیامبر درس ناخوانده پیروی کرده و نام او را در تورات و انجیل یافته و آن پیامبر، ایشان را به خوبی‌ها (معروف) امر می‌کند" (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۵۷).

۶- اگر در آیه‌ی ۱۵۶ و ۱۵۷ سوره‌ی اعراف، یک نشانه یا علامت پیامبری را امر به معروف می‌شمارد در همین سوره در شمارش وظایف پیامبر گرامی اسلام، این وظیفه را بیان می‌فرماید: عذر مردم را بپذیر (سخت‌گیر مباش) و بیش از طاقت و دامنه‌ی ظرفیت آنان از آنان نخواه) و به نیکی‌ها (معروف) فرمان ده و از ناآگاهان دوری گزین پس امر به معروف از وظائف پیامبر گرامی اسلام بوده است (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۹۹).

۷- از آشکارترین و اهمیت‌دارترین وظیفه‌های مؤمنان در جامعه‌ی اسلامی از دیدگاه قرآن، امر به معروف است؛ از جمع‌بندی و استفاده از سیاق حداقل سه آیه‌ی قرآن، این مطلب به روشنی به دست می‌آید. در سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۱۰۴ خواندیم این که باید کسانی دعوت به خیر و امر به معروف نمایند و در همان سوره آیه‌ی ۱۱۰ خطاب به جامعه‌ی اسلامی که امر به معروف را تداوم می‌دهند، آنان را بهترین امت دانست و در سوره‌ی توبه آیه‌ی ۷۱ اینکه در اساس جامعه باید بر اساس مسئولیت‌پذیری و حق‌مداری باشد و این مسئولیت‌پذیری و حق‌مداری در ولایت و سرپرستی عده‌ای بر دیگران که ابراز آن نیز بر مدار دعوت به خوبی‌ها و نیکی‌هاست، آشکارترین وظیفه و دارای اهمیت بودن امر به معروف را ثابت می‌نماید.

۸- استمرار داشتن و وظیفه‌ای همیشگی بودن از یک سوی و اختصاص به قشر خاص و طبقه‌ی معین و حتی جنس خاصی نداشتن، بلکه وظیفه‌ی همگانی مردم، اعم از زن و مرد بودن امر به معروف، بر اهمیت این فریضه دلالت دارد. از تعبیرهایی که به صورت مضارع است و استعمال مضارع، دوام و پیوستگی وظیفه را می‌رساند آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی حج یاری‌دهندگان خداوند و یاری‌شوندگان از طرف خدا معرفی شده‌اند، می‌فرماید: کسانی که اگر به آن‌ها در زمین مکنت و توانایی دهیم، برپادارنده‌ی نماز و اداکننده‌ی زکات مال و امر به معروف کننده‌اند. پس واجب امر به معروف خاص زمان معینی نیست.

و در نهایت این عنوان یعنی تعمیم و فراگیری وظیفه امر به معروف از همه‌ی تعبیر عام و اطلاق‌های آیات استفاده می‌شود. مضاف بر آن از تعبیر آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی توبه که صراحت دارد که برخی مردان و زنان مؤمن سرپرستی و رهبری نسبت به دیگران دارند نیز استفاده می‌گردد.

۹- از بیان آیات و از اختصاص به ذکر نمودن مسئله‌ی امر به معروف و توصیف آمران به معروف به ایمان در آیات ۱۱۰ آل عمران، ۱۱۳ و ۱۱۴ همین سوره و آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی توبه که بعد از ذکر آمران به معروف، عبارت به مؤمنان بشارت ده دارد و آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی حج که ذکر شد استفاده می‌شود که امرکنندگان به معروف، مشمول ستایش خداوند هستند (هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معرف قرآن، ۱۳۸۲: ۳۷۴-۳۷۰).

ب) آثار امر به معروف یا امر به ارزش‌ها و نیکی‌ها

در بررسی این مبحث می‌توان به دو دسته از آثار نوع اول آثار تنزیه‌ی و یا آثاری است که جامعه را از آسیب‌ها و یا چالش‌های جدی حفظ می‌کند و نوع دوم آثار تجمیلی یا آثاری است که خیرات و برکات و یا پیامدهای عمیقی را برای جامعه ایجاد می‌نماید که فهرست‌گونه و با اشاره به آیات به هر دو اثر توجه می‌نماییم.

۱- وحدت اجتماعی و جلوگیری از بروز اختلاف در سایه‌ی امر به معروف حاصل می‌گردد. در آیه‌ی ۱۰۳ سوره‌ی آل عمران خداوند به جامعه‌ی ایمانی فرمان می‌دهد که به عامل وحدت‌بخش الهی تمسک نموده و از تفرقه و جدایی، پرهیز کنند و ضمن یادآوری نعمت وحدت و دوری از عداوت و دشمنی، یادآور می‌شود که برادری و خوبی روابط بین انسان‌ها و نجات از پرتگاه آتش، به خواسته‌ی خداوند بوده است. باید از بین شما گروهی باشند که به خوبی‌ها دعوت کرده و امر به معروف نمایند پس امر به معروف یک پوشش

اجتماعی است که جامعه را از عوامل مختلف تفرقه‌انگیز رها می‌سازد (آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴).

۲- آثار و پیامدها و یا اثرات تجمیلی و نیکی‌هایی که در پرتو امر به معروف در جامعه فراهم می‌گردد را می‌توان این‌گونه فهرست کرد:

الف) جامعه معتقد به خدا و آخرت و امر به معروف و عامل به این فریضه جامعه‌ی صالحان است. در سوره‌ی آل عمران داریم کسانی که به خدا و قیامت ایمان داشته و امر به معروف می‌نمایند و ... همین گروه از صالحان هستند (آل عمران، آیه‌ی ۱۱۴).

ب) در سوره‌ی توبه نتیجه‌ی امر به معروف و پیامد آن را، در شمار مؤمنان قرار گرفتن انسان می‌شمارد و در این آیه (سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۱۲)، که در قسمت قبل آن که محل بحث نیست، صفات فردی مقدمند ولی صفات اجتماعی و انگیزه‌ی تعامل راستین با اجتماع و حفظ آن از پستی‌ها و ترغیب به خوبی‌ها و حفظ حدود و ارزش‌ها، انسان را به این مقام ارتقا می‌بخشد (پوریوسف، ۱۳۸۷: ۵۲۴).

ج) امر به معروف از جمله ملاک‌ها و معیارهای برتری جامعه‌ی اسلامی است (آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰).

د) امر به معروف و انجام اعمال مثل نماز و پرداخت زکات جامعه را در معرض یاری خداوند قرار می‌دهد (سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۱).

ه) امر به معروف جاذب رحمت خداوند از یک سوی و زمینه‌ساز رستگاری از سوی دیگر است.

در سوره‌ی توبه به زودی شامل رحمت خداوند می‌شوند (سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱) و در سوره‌ی آل عمران می‌فرماید "اینان" و "هم اینها" از گروه رستگارانند یعنی خیرخواهان و ارزشمداران جامعه (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴).

و) در تعریف "خیر" (خوبی) و اینکه "ارزش" چیست در سوره‌ی نساء می‌خوانیم. در بسیاری از نجواهای ایشان (سخن‌های درگوشی و غیر عمومی) خوبی و ارزشی نهفته نیست، مگر کسی که به این وسیله امر به صدقه کند یا امر به معروف نموده یا به اصطلاح میان مردم فرمان دهد و هر کس در راه کسب رضایت خداوند چنین کند او را مشمول اجر بزرگی می‌نماییم. پس امر به معروف امری ارزشی از نظر الهی و دارای پیامد و اثر جاذب اجر عظیم می‌باشد (سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۱۴).

ج) پیشینه امر به معروف یا سابقه و تاریخچه امر به نیکی‌ها

از آیات قرآن به وضوح به دست می‌آید که در دوران لقمان حکیم امر به معروف مسئله‌ی شناخته شده‌ای بوده که حضرت ایشان فرزند خود را به آن توصیه می‌نماید (سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۷).

همچنین از مواضع متعددی از قرآن مجید استفاده می‌شود که در آیین اهل کتاب (آیین‌های الهی قبل که برای آن‌ها کتاب الهی نازل شده بود) امر به معروف تشریح شده؛ از باب نمونه در سوره‌ی بقره می‌خوانیم آیا مردم را به نیکی‌ها فرا می‌خوانید (هر چند لفظ امر به معروف به کار نرفته ولی این مضمون را می‌رساند) و خودتان را فراموش می‌کنید (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۴) و در سوره‌ی آل عمران می‌خوانیم کسانی که به آیات الهی کفر ورزیده و پیامبران را به ناحق (از سر ظلم و حق‌ستیزی) می‌کشند و دعوت‌کنندگان به عدالت از جامعه را به قتل می‌رسانند به عذاب دردناک بشارت ده (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲۱).

به قتل رسیدن آمران به عدل که از بزرگ‌ترین مصادیق و نمونه‌های امر به معروف هستند که قرآن از آن خبر می‌دهد، فرع و در ذیل این مسئله قرار داشته که به‌طور قطع، چنین گروهی یعنی آمران به معروف وجود داشته و مانع زیاده‌خواهی و ظلم‌گرایی افراد فاسد اقوام قبل می‌شده‌اند. همه (اهل کتاب) یکسان نیستند گروهی از اهل کتاب هستند که پیوسته در دل شب آیات الهی را می‌خوانند و ... و به خوبی‌ها و ارزش‌ها امر می‌نمایند (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۳ و ۱۱۴).

د) ویژگی‌ها و اوصاف آمران به معروف یا خصلت و روش خیرخواهان و ناظران جامعه

- ۱- بهترین قشر اجتماعی و یا گروه در جامعه‌ی مؤمنان امرکننده به معروف هستند (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰).
- ۲- امرکنندگان به معروف افرادی متحد و دارای تشکیلات و نظم خاصی می‌باشند (کتب لغت، واژه‌ی امت).
- ۳- فراگیری رحمت واسع خداوند بر آمران به معروف و بهره‌برداری آنان از حسن عاقبت و روسفیدی در قیامت.

از جمع‌بندی دو آیه‌ی ۱۰۴ آل عمران و آیه‌ی ۱۰۷ همین سوره که چنین کسان (آمران به معروف و سایر اوصاف ایمانی) روی سفیدند و در رحمت خدایند که برای آنان جاودانی است.

۴- مؤمنان امرکننده به معروف از زمره‌ی معامله‌کنندگان با خداوند در تجارتی بسیار سودمند هستند که بهای آن بهشت جاودان است (سوره‌ی توبه، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲).

۵- بهره‌مندی از اجر عظیم پاداش بزرگ الهی برای آمران به معروف. در آینده ما به او (امرکننده به معروف) پاداش بزرگی می‌دهیم (سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۱۴).

نهی از منکر یا جلوگیری از پستی و انحراف از دیدگاه قرآن

منکر در لغت هر کار و یا فعلی را گویند که زشت و قبیح بوده و درست مقابل "معروف" که شناخته شده و تأیید گردیده بود مورد انکار و رد باشد.

در اصطلاح هر کاری که عقل صحیح و شرع به زشتی آن حکم کند منکر می‌گویند و نهی از منکر بازداشتن دیگران است از آنچه از نظر عقل و شرع منکر شناخته می‌شود.

نکته‌ای در نهی از منکر هست و آن این است که در اصطلاح منکر هر فعل زشت و ناپسندی است که فاعل آن به آن شناخت داشته و یا بر زشتی و ناپسندی آن راهنمایی شده باشد (راغب الاصبهانی، بی‌تا، ذیل ماده‌ی نهی، ۵۰۷-۵۰۵).

به‌طور دقیق همان مباحثی که در رابطه با ماده‌ی امر و صیغه‌ی هیئت آن شد در این مبحث نیز لازم می‌آید یعنی برای تحقق نهی از منکر، بایستی اهل ایمان به گونه‌ای باشند که به اصطلاح "منهیات" آنان در عمل ترک شود.

با تتبع در آیات قرآن می‌توان این عنوان‌ها و سرفصل‌ها را برای ورود به بحث عمیق نهی از منکر یا جلوگیری از کژی و انحراف به منزله‌ی مهم‌ترین سرفصل‌ها یا مدخل‌ها در نظر گرفت.

الف) اهمیت نهی از منکر

ب) آثار نهی از منکر

ج) پیشینه‌ی نهی از منکر

الف) اهمیت نهی از منکر یا پیشگیری از انحرافات

۱- ضرورت یا نیاز به وجود گروهی از اهل ایمان برای دعوت به خیر و نهی از منکر، اینکه بازداشته شدن از منکرات "خیر" انسان است و از مصادیق بارز خیر، دوری از پلیدی است. محل هیچ بحث و کلامی نیست. در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران عطف امر به معروف و نهی از منکر به دعوت به خیر از باب ذکر مصداق و یا نمونه‌ی کامل و تام خیرات و یا ذکر خاص بعد از عام و حتی اگر هیچ کدام از این دو نباشد با توجه به معنی و مفهوم خیر، که همان خوبی، صلاح می‌باشد، نشانه‌ی اهمیت نهی از منکر است.

اینکه برای نهی از منکر، درست مثل بحث امر به معروف، آیه‌ی قرآن ضرورت وجود گروهی خاص و به اصطلاح ضرورت تشکیلات را مطرح می‌نماید، اهمیت مسئله و این که نباید این مسئله زمین بماند و ترک شود را می‌رساند.

۲- در سوره لقمان، از پلیدی و پستی نهی نما (انسان‌ها را روی گردان نما) و بر ناباوری‌ها و ناملایمات صبر نما که این مسئله از کارهای مهم است (سوره لقمان، آیه ۱۷).

این که در آیه، اقامه‌ی نماز، امر به معروف و نهی از منکر و صبر در ناملایمات از کارهای مهم شمرده شده و اهمیت مسئله و ارزشی بودن و اصلی بودن آن را می‌رساند.

۳- تعبیر به کار رفته در آیات "نهی از منکر" درست و به همان دقتی که در بحث امر به معروف شد، اینجا نیز مضارع است که از نظر قواعد زبان عربی استمرار و گستره‌ی آن را می‌رساند؛ در مواردی نیز صیغه‌ی امر به کار رفته یعنی در امثال آیه‌ی ۱۰۴ و ۱۱۴ سوره آل عمران و ۱۱۰ این سوره تعبیر "ینهون"، "تنهون" داریم و در آیه‌ی ۱۷ سوره لقمان "انه" و متعلق منکر و این که کدام نوع از پلیدی و یا کار غیر صحیح منع شود، محدودیتی ندارد، این نکته همان ظرافت بحث را می‌رساند که نهی از منکر مسئله‌ای متداوم و مستمر است و همچنین نهی از منکر باید در زوایای مختلف و فراگیر باشد.

۴- نهی از منکر معیار و میزانی برای ارزش افراد و شایستگی و شناسه‌ای برای اقوام قبل از اسلام

در آیات ۱۱۳ و ۱۱۴ سوره آل عمران یک خط‌کشی و مرزبندی می‌نماید. همه‌ی اهل کتاب یکسان نیستند در بین آنان مؤمن به خدا و آخرت هست و کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند.

۵- از آدرس‌ها و یا نشانه‌هایی که برای پیامبر اکرم در سوره‌ی اعراف از تورات و انجیل نقل می‌نماید آن است که پیامبر اکرم، نهی از منکر می‌نموده است. آیه‌ی ۱۵۷

سوره‌ی اعراف، این مضمون را دارد؛ اینکه "شاخص شناخت" قابل اهمیت پیامبر اکرم بر اقوام غیر اسلامی، نهی از منکر باشد، باز نشانه‌ی اهمیت و جایگاه عمیق این ارزش می‌باشد.

ب) آثار نهی از منکر

۱- نهی از منکر زمینه و سازوکار بازداری جامعه و انسان‌ها از سقوط در ورطه‌ی گناهان است، در آیه‌ای از سوره‌ی اعراف می‌خوانیم (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۶۴) ناهیان از منکر و موعظه‌کنندگان بر موعظه و بازداری خویش اصرار می‌نمایند که این انجام وظیفه‌ی ماست و متذکر می‌شوند که این وظیفه‌ی بازداری وظیفه‌ی شما نیز هست. این عذر در پیش پروردگار شماسست و در آخر می‌فرماید و شاید تقوی پیشه نمایند.

اینکه احتمال برگشت و تقوایی‌گری گروه متجاوز را قرآن از قول گروهی از بنی اسرائیل مطرح نموده و رد نمی‌نماید به اصطلاح "تقریر" یا تثبیت این نظر است. پس، از آثار تنزیهی نهی از منکر بازداشتن دیگران از گناه است.

۲- نهی از منکر یک اثر تنزیهی بسیار جالبی نیز برای خود فاعل نهی از منکرکننده نیز دارد و آن اینکه نهی‌کننده تمرین ایمان کرده و در اثر این کار خود از ورطه‌ی ساکنان و تأییدکنندگان ضمنی (نه صریح) عمل متجاوزان نجات می‌یابد. در سوره‌ی اعراف می‌خوانیم: اگر نبود آنکه این گروه نهی از منکر می‌نمودند خود نیز دچار عذاب می‌شدند (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۶۵). در همین راستا می‌توان به آیه‌ای در سوره‌ی هود اشاره کرد که می‌فرماید پس چرا از نسل‌های پیش صاحبان قدرت و اندیشمندانی (اولو بقیه = صاحبان فرزندی یا توانمندی و قدرت) نبودند تا از فساد در زمین جلوگیری کنند مگر گروه اندکی از آنان که آنان را نجات دادیم و کسانی که ستم می‌کردند به دنبال امکانات و ناز و نعمتی که یافتند حرکت کردند و آنان مجرم هستند (سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۶).

دسته‌ی دوم، آثار و پیامدها یا برکات نهی از منکر یا پیامدهای بازدارندگی انحراف در

جامعه

۱- جامعه و افرادی که معتقد به نهی از منکرند جامعه‌ی صالحان‌اند (سوره‌ی آل

عمران، آیه‌ی ۱۱۴).

۲- در سوره‌ی توبه آیات ۱۱۱ و ۱۱۲ که ۹ صفت از صفات مؤمنان راستین را برمی‌شمرد بازدارندگان از کارهای پست و پلید را می‌شمرد. پس نتیجه، بازدارنده شدن از کارهای منکر، مؤمن گردیدن و از ایمان آوردگان واقعی شمرده شدن است.

۳- نهی از منکر یا بازدارندگی از پلشتی، وقتی در جامعه‌ای رواج یافت، جامعه بدین وسیله از برتری و سبقتی برخوردار خواهد گشت که قابل ذکر و توجه است خیر بودن در بین امت‌ها به خاطر تداوم نهی از منکر است.

نهی از منکر همچون امر به معروف، جامعه را در معرض "نصرت الهی" و "حمایت خداوند" نموده و بالاخره خوش‌عاقبتی و حسن‌نهایت در گرو نهی از منکر است. در سوره‌ی حج می‌خوانیم و خداوند به یاری کسانی اقدام می‌نماید که اگر در زمین توان یابند نماز بر پا داشته زکات می‌دهند و ... نهی از منکر می‌نمایند (سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰ و ۴۱). رحمت خاص خداوند نیز بر اثر نهی از منکر به دست آمده. مفاد آیه‌ای از سوره‌ی توبه بود که مردان مؤمن و زنان مؤمن بر هم و برای هم ولایت و سرپرستی دارند، همدیگر را به معروف (کارهای شایسته - شایستگی‌ها) می‌خوانند و از پستی‌ها (کارهای ناشایست - پلیدی‌ها) باز می‌دارند و بعد از بیان این ارزش‌ها و مبارزه با ضد ارزش‌ها، نوع کارهای ایشان را نیز همچون اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات مطرح فرموده سپس می‌فرماید به زودی شامل رحمت خاص خداوند می‌شوند (سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱).

اینکه همه‌ی انسان‌ها در هستی و در پی رسیدن به رستگاری که همان به هدف‌ها رسیدن و کمال را تجربه کردن است می‌باشند، در قسمت نهایی آیه‌ای از سوره‌ی آل عمران این مسئله هست، اینکه باید تشکل امر به معروف و نهی از منکر باشد و با این تشکل در جامعه، خود جامعه و کسانی که به این مهم اقدام نموده‌اند، از زمهره رستگاران می‌گردند (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴).

ج) پیشینه نهی از منکر یا بازداشتن از پلشتی‌ها

می‌توان از تحقیق در آیات قرآنی به شخصیت‌هایی که به این مهم اقدام نموده‌اند با نام و دوره‌ی خاص آن‌ها دسترسی پیدا کرد.

۱- از آیه‌ای در سوره‌ی آل عمران که ملاک ارزش‌گذاری اهل کتاب در دیدگاه قرآن، انجام این فریضه است. همه‌ی اهل کتاب در یک درجه و جایگاه ارزشی نیستند. گروهی به

امر به معروف و نهی از منکر اقدام می‌نمایند؛ و نشانه‌ی برتری و ارزشمند بودن را ارائه می‌کنند (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۳ و ۱۱۴).

۲- در سوره‌ی لقمان و از پلیدی‌ها و کارهای زشت بازدار و بر آنچه بر تو (از سختی‌ها و رنج‌ها در انجام این کارها) می‌رسد صبر کن، به تحقیق این‌گونه تلاش‌ها از جایگاه عالی و همت بلند صادر می‌گردد (سوره‌ی لقمان، آیات ۱۳ و ۱۷).

۳- در جای جای آیه‌های قرآنی رد پای آمران به معروف و بازدارندگان از ناراستی‌ها و پلیدی‌ها را در سیره و روش انبیاء بزرگ الهی، این دعوت‌کنندگان به حق و حقیقت، در اقوام گذشته می‌یابیم.

(الف) صالح پیامبر، نهی‌کننده‌ی قوم خویش (ثمود) از پلیدی و گناه بزرگ شرک، در سوره‌ی هود می‌خوانیم آیا از اینکه آنچه پدران ما، آن را می‌پرستیدند و ما پرستش می‌کنیم، ما را باز می‌داری؟ بی‌تردید ما در آنچه ما را به آن می‌خوانی (امر و نهی می‌کنی) در شک هستیم (سوره‌ی هود، آیه‌ی ۶۲).

(ب) شعیب پیامبر، نهی‌کننده‌ی مردم مدین از عبادت غیر خدا و ظلم و فساد اقتصادی و اصلاح‌گر جامعه‌ی خویش، در همان سوره‌ی هود می‌خوانیم: اراده ندارم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم (خود آنچه را نهی کنم انجام دهم). تنها هدف اصلاح‌گری تا سر حد امکان است و جز به توفیق از طرف خداوند امیدی ندارم و به او توکل کرده و به سوی او باز می‌گردم (سوره‌ی هود، آیه‌ی ۸۷ و ۸۸).

(ج) حضرت داود (ع) و حضرت عیسی (ع) نهی‌کنندگان از پلیدی‌ها بودند و با اعتراض به ترک این مهم در بنی اسرائیل، ترک‌کنندگان نهی از منکر را به دوری از رحمت خدا نفرین نمودند. در سوره‌ی مائده می‌خوانیم: کافران از بنی اسرائیل به زبان داوود و عیسی (ع) لعنت شدند (به دوری از رحمت خدا نفرین شدند) چرا که سرکشی کرده و تجاوزگر بودند؛ آنان از کارهای پست و پلیدی که انجام می‌دادند همدیگر را نهی نمی‌کردند و چه روش و سیره‌ی بدی است آنچه آن‌ها عمل می‌نمودند (سوره‌ی مائده، آیات ۷۸ و ۷۹).

(د) از نشانه‌ها و آدرس‌هایی که خداوند از پیامبر اکرم اسلام در کتب آسمانی قبل از قرآن داده بود یک نشانه یا آدرس این بود که پیامبر اکرم نهی‌کننده از پستی‌ها و پلیدی‌ها بودند. در سوره‌ی اعراف آیه‌ی محل بحث نشانه‌های دیگری از این گروه مشمول رحمت خداوند، بیان می‌شود، این‌ها کسانی هستند که از فرستاده یا پیام‌آور الهی که تعلیمات او تنها از طرف خداوند بوده (و جز مادر کسی در تربیت عقلی او از بشر دخالت نداشته) و نام

او را در تورات و انجیل، دو کتابی که نزدشان بوده یافتند (و نسبت به آن شناخت داشته‌اند)، آن پیامبر آن‌ها را به انجام ارزش‌ها و می‌داشت و از پستی‌ها و پلیدی‌ها باز می‌داشت (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۵۷).

علاوه بر استفاده از آیه‌ی ۱۵۷ سوره‌ی اعراف می‌توان از مفاد آیه‌ای در سوره‌ی حشر نیز جایگاه ناهی از منکر بودن پیامبر بزرگوار اسلام را به خوبی استنباط کرد؛ (سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷).

۴- نه تنها نهی از منکر به وسیله‌ی حکیمان و پیامبران انجام شده بلکه در بین اقوام و ملل و جامعه‌ی اسلامی نیز در تاریخ تطورات و تحولات خویش به استمرار این سنت و سیره‌ی نیکو دسترسی داشته و می‌توان با استناد به آیات قرآن پیشینه‌ی نهی از منکر را در روش ملل و قوام یافت.

الف) در آیات آل عمران خواندیم همه‌ی آن‌ها (اهل کتاب که در آیه‌ی قبلی به مذمت آن‌ها اقدام شده و روش‌های آنان تخطئه شده) یکسان نیستند از اهل کتاب کسانی هستند که به ارزش‌ها و نیکویی‌ها می‌خوانند و از "منکرات (پلیدی‌ها و زشتی‌ها)" نهی می‌نمایند (سوره‌ی آل عمران، آیات ۱۱۳ و ۱۱۴).

ب) نهی از منکر و موعظه‌ی دیگران در گروهی از اهل کتاب امری مستمر و متداوم بوده و تا آنجا این مسئله رواج داشته که در جریان "قوم سبت" اصحاب روز شنبه یا "داستان قوم ایله" که وقتی خداوند آنان را از صید ماهی در روز شنبه منع فرمود، با حيله، حوضچه‌هایی ساخته و آب دریا و نهرها را در آن روز به حوضچه‌ها کشانده و ماهی محصور شده در حوضچه را، در روزهای بعد صید می‌کردند. در آیات سوره‌ی اعراف به این داستان اشاره فرمود و می‌فرماید: بقیه‌ی جامعه نهی‌کنندگان را نسبت به عمل عاصیان و حيله‌گران، امر بی‌فایده‌ای تلقی نموده؛ گفتند چرا قومی که (به خاطر عاصیان و حيله‌گری و تخطی از صید در روز شنبه) عذاب آنان قطعی و هلاکتشان مقدر است موعظه می‌کنید؟ (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۶۴).

ج) فرزانه‌گانی از بنی اسرائیل، بازدارنده‌ی قارون از کارهای پست خویش، در سوره‌ی قصص می‌خوانیم. کسانی که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند ای کاش ما نیز مانند آنچه به قارون داده شده است، داشتیم و کسانی که دارای علم بودند (به آنان فرزانه‌گی علمی و برزانه‌گی عقلی عطا شده بود) گفتند وای بر شما (قارون و همفکران و آرزوکنندگان زندگی

او) پاداش الهی بهتر است که این اجر از آن ایمان‌آوردندگان و خوش‌رفتاران است و جز صابران به آن نمی‌رسد (سوره‌ی قصص، آیه‌های ۷۶، ۷۷ و ۸۰).

د) مؤمنان راستین نهی کننده از منکر و بازدارندگان از پلشتی‌ها در جامعه در سوره‌ی توبه جزو مؤمنان بشارت‌یافته، ناهیان منکر معرفی شده‌اند (سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۱۲).

ه) مؤمنان مهاجر نهی کننده از منکر و بازدارندگان از زشتی و پلیدی در جامعه در سوره‌ی حج می‌خوانیم از کارهای بد باز دارند (سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰ و ۴۱). نکته‌ی ظریفی که از این قبیل آیات می‌توان به دست آورد و به‌طور دقیق با توجه به بحث که مبانی فقهی اصل هشتم قانون اساسی یا همان مبانی نظارت خیرخواهانه بر جامعه و وظائف شخصی، اثبات لزوم امر به معروف و نهی از منکر به توجه به کثرت آیات و روایات کار ساده‌ای است ولی توجه و دقت به بعضی تعابیر در آیاتی از جمله آیات فوق دو مطلب را به خوبی به اثبات می‌رساند؛ مطلب اول آنکه از این صغرای بحث که اگر مؤمنان در جامعه مکنت یعنی امکانات و قدرت لازم بیابند امر به معروف می‌کنند و نهی از منکر می‌نمایند، استفاده می‌شود که امر به معروف حداقل در بعضی مقاطع و در پاره‌ای از شرایط نیازمند به وجود امکانات و به سخن دیگر قدرت خاصی است و این مسئله چیزی نیست جز همان نظام اسلامی و از این نکته می‌توان تصریحی که در متن اصل ۸ قانون اساسی است که دولت نسبت به مردم وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر دارد را استفاده کرد. نکته‌ی دوم و شاید لازمه‌ی نکته‌ی اول اینکه از آیه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی آل عمران با توجه به معنی و مفاد کلمه‌ی امت این استفاده می‌شود که برای انجام هدفمند و به اصطلاح نظام یافته‌ی بحث امر به معروف و نهی از منکر، وجود تشکیلات و سازماندهی خاصی که به‌طور طبیعی بخشی از همان نظام هست نیز لازم است. این استفاده‌ی ظریف را از بیان علامه‌ی بزرگوار طباطبایی نیز می‌شود به دست آورد (طباطبائی، ۱۴۰۲: ۳۸۶).

مبانی فقهی اصل هشتم قانون اساسی یا ضرورت نظارت خیرخواهانه در سنت

در یک تتبع و تحقیق فقهی سوای مسائلی همچون نماز و روزه یعنی دو عبادتی که از ضروریات دین اسلام هستند شاید کمتر مسئله‌ای باشد که از نظر فقهی به این مقدار فراوان دلیل برای آن وجود داشته باشد.

بد نیست عرض شود که در مباحث فقهی گاهی برای اثبات یک مسئله چنان عرصه بر محقق تنگ می‌شود که می‌بایستی مثلاً برای اثبات مسئله‌ی خود در نهایت به روایات آحاد که در مقابل خبر متواتر و حتی مستفیض قرار دارد، تمسک کرده و یا حتی گاهی عرصه از این نیز تنگ‌تر می‌شود که به اصطلاح دلیل نقلی یا در اصل موجود نیست یا به اصطلاح با تلاش و کوشش فراوان از اجماع غیر منقول، یعنی اجماع عملی که خود محقق اصطیاد می‌نماید حکم را استخراج کرده و باز گاهی چون مسئله کاملاً جدید و ابتکاری است، سابقه در محیط شرع و تتبعات در دلایل نقلی ندارد باید ملاک عقل در آن حاکم گردد.

در مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر از نظر دلیل نقلی می‌بینیم فقیه محدثی مانند شیخ حر عاملی که با اثر سنگین وزن و جامع خود "تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه" مبانی احکام در روایات را از کتب اربعه شیعه (کافی کلینی، استبصار و تهذیب شیخ طوسی و من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق) و غیر آنان و هفتاد اثر دیگر جمع‌آوری فرموده و باب‌بندی و فصل‌بندی جالب توجهی برای تسهیل کار فرهیختگان فراهم نموده است،

در خود مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر ۴۱ باب و یا به اصطلاح مدخل را مشخص نموده و در مجموع در این مباحث که برای هر بابی حداقل سه و یا چهار روایت الی بیست و پنج روایت آورده که اگر روایاتی که در باب‌های بعدی با عنوان فعل معروف را به آن ضمیمه کنیم حدود هفتصد روایت را مورد توجه و استناد قرار داده است (از روایت ۲۱۱۲۷ تا روایت ۲۱۸۳۶، ۷۰۹ روایت) و در خود مباحث امر به معروف و نهی از منکر، غیر از انواع فعل‌های معروف حدود چهارصد روایت را مستند کار خود قرار داده است (از روایت ۲۱۱۲۷ تا ۲۱۵۴۹، ۴۲۲ روایت) (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶: ۳۸۸-۱۱۷). البته قابل ذکر است که شیخ حر عاملی گاهی یک روایت را در چندین موضع به مناسبت بحث‌های مختلف خویش مورد استناد قرار داده و به اصطلاح روایت‌ها را "تقطیع" می‌نماید که در مقام بحث نقد یا تقدیر از این شیوه نیستیم. استفاده از این روش، آمار ذکر شده را تا حد زیادی تقلیل می‌دهد. ولی حتی این مسئله، این ادعا را که به مسئله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت، مشروعیت، تحریک شرع و اصرار دین فراوان وجود دارد، لطمه‌ای نزده و اینکه در این مسئله به خاطر اهمیت و جایگاه آن دلایل فراوان دارد امری قطعی است؛ و یا اگر در شیوه‌ی فقها و در بحث‌های تخصصی فقهی از مجموع به اصطلاح پنجاه و پنج کتاب

فقهی یا عنوان که از طهارت شروع می‌شود و به حدود و دیات خاتمه می‌گردد تأمل گردد، گاهی مسئله‌ای یا عنوانی را حداکثر در دو یا سه باب و در نهایت چند صفحه تمام می‌کنند.

ملاحظه می‌نماییم که بحث امر به معروف و نهی از منکر چه حجم زیادتر و چه توجه فراوان‌تری را به خود اختصاص داده، از باب نمونه صاحب جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، مرحوم شیخ محمدحسن نجفی حدود ۶۰ صفحه از ص ۳۵۲ تا ۴۱۰ جلد ۲۱ کتاب ذکر شده را به این مورد اختصاص داده‌اند (النجفی، ۱۳۶۲: ۴۱۰-۳۵۲).

و از فقهای معاصر نیز مرحوم امام خمینی قدس سره در تحریرالوسیله بحث به نسبت مفصلی در این مسئله دارند و حداقل در چهار باب این مسئله را مطرح فرموده‌اند ایشان در ابتدا امر به معروف و نهی از منکر را از والاترین و شریف‌ترین واجبات معرفی نموده که به وسیله‌ی این دو عمل واجبات دیگر اقامه می‌گردند و اضافه می‌فرمایند که وجوب این دو فریضه از ضروریات دین است (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۴۶۴).

مباحث یا باب‌هایی که بر سیاق روایات در بحث مطرح نموده‌اند: ۱- اقسام امر به معروف و نهی از منکر و کیفیت وجوب؛ ۲- شرایط وجوب این دو فریضه؛ ۳- مراتب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

شماری از متکلمان (علمای علم عقاید) و فقها افزون بر دلایل نقلی برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر به دلیل عقلی تمسک کرده و گفته‌اند از آشکارترین راه‌های هدایت انسان امر به معروف و نهی از منکر است و بنابر قواعد لطف (که از سر لطف خداوند بندگان را به طاعت نزدیک و از عصیان دور می‌نماید) انجام آن بر همه واجب می‌گردد و این وجوب را عقل نیز می‌رساند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۱۴۷).

یکی از بحث‌های مهم فقهی که مطرح می‌شود این است که آیا امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است یا واجب کفایی؟ این مبحث را فقها ذیل آیه‌ی ۱۰۴ سوره‌ی آل عمران که قبلاً بحث شد مطرح نموده و در آیه و باید از بین شما گروهی باشند که به خیر دعوت و از کار پست باز دارند؛ "من" در واژه‌ی "منکم" را به اصطلاح تبعیضی گرفته و گفته‌اند کسانی که شایستگی دارند باید این کار را انجام دهند.

و در تأیید کفایی بودن گفته‌اند با تحقق غرض شارع و دور شدن عامل منکر از کار بد خویش و انجام معروف توسط امر شده یا مأمور به معروف، وجوب از دیگران برداشته می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۴۷۲-۴۷۱).

استفاده‌ی وجوب کفایی از آیه قابل خدشه است زیرا آیه فقط دلالت می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب نیست چون همه‌ی مردم شرایط آن را ندارند و ساقط شدن واجب از غیر واجدان شرایط به معنای کفایی بودن نیست چنان که ساقط شدن وجوب حج از غیر افراد مستطیع دلیل بر کفایی بودن آن نیست (شیخ بهایی، ۱۴۱۰: ۲۴۵-۲۴۶) و (محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵: ۳۴۴).

نویسنده‌ی محقق دروس فی‌الولایة الفقیه و فقه‌الدولة لاسلامیه در اساس، نظر دیگری دارند و آن اینکه واجبات اجتماعی و حدود الهی همه به عهده‌ی مردم به‌عنوان عام مجموعی گذاشته شده منتهی سرپرست جامعه و نماینده‌ی اجتماع که امام جامعه است این وظیفه را انجام می‌دهد؛ و البته می‌توان با نظر واجب کفایی نیز مسئله را مطرح کرد و آن اینکه کسی که کار را بدون واسطه انجام می‌دهد، امام و کارگزاران حاکم هستند ولی در واقع این مردم هستند که باید حکومت را تشکیل داده و در اجرای امور اجتماعی او را کمک و یاری دهند و آنچه بر حاکم جامعه واجب است این است که واجبات اجتماعی نظیر حدود و سایر امور را به اجرا بگذارد (موسوعه‌ی دراسات فی‌الولایة الفقیه و فقه‌الدولة الاسلامیه، ۱۴۰۹: ۲۲۷) و همچنین (نظام‌الحکم فی‌الاسلام، ۱۳۸۵: ۲۷۶).

نتیجه‌گیری

در بحث چرایی خیرخواهی و نظارت متقابل مردم و کارگزاران و افراد جامعه بر هم با شاهد گرفتن بیش از ۲۰ آیه از قرآن و چندین برابر این مقدار روایات و چند اصل از قوانین موضوع در جمهوری اسلامی ایران اثبات شد که نه تنها بر ضرورت و لزوم این کار تأکید شده است بلکه بیشتر و فراگیرتر به نقش و آثار اصیل این مکانیسم و روش عملی اشاره شد و خیرات و حسنات انجام این نظارت یادآوری شد و بر ترک آن هشدار داده شد و آثار سوء ترک این عمل بیان شد خلاصه‌ی این مدل و یا الگو وظیفه حفظ جامعه از پلشتی و پلیدی و از سوی دیگر دوام سیر آن در ارزش‌مداری و تحول به خیر را که راهی است متأثر از دستورات خداوند به انبیا و بر هر انسان حق‌مدار تکلیف می‌باشد.

پیشنهاد

با توجه به اهمیت نظارت خیرخواهانه‌ی مردم بر کارگزاران و کارگزاران افراد جامعه بر هم در بعد کلان جامعه و سطح مدیریت والا می‌بایستی سازواره‌ای ایجاد گشته که به این

مهم بپردازد. وجود سازمانی به نام اداره‌ی حاسبه در بعضی جوامع اهمیت این مسئله را می‌رساند بر اساس قانون اساسی در کشور ما نیز چنین تشکیلاتی لازم می‌باشد. وجود سازمانی با این نام تنها مرتبط با یک مرکز نظامی نمی‌تواند نقش لازم را در این امر مهم ایفا کند این تشکیلات بایستی از سویی به قوه‌ی مقننه و از سوی دیگر بنا بر بند چهارم اصل ۱۵۶ قانون اساسی مرتبط با قوه‌ی قضاییه و از سوی دیگر به تشکیلات مجریه و نقش مهم وزارت ارشاد باید مرتبط گردد.

فهرست منابع:

- بجنوردی، سید کاظم و (۱۳۷۲). دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۰، چاپ اول، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- پوریوسف، عباس (۱۳۸۷). خلاصه تفاسیر المیزان و نمونه، چاپ چهارم، تهران، نشر شاهد.
- حر عاملی، الشیخ محمد بن الحسن (۱۴۱۶ ق). تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۱۶ (دوره‌ی ۳۰ جلدی)، چاپ دوم قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- الراغب‌الاصبهان، مفردات الفاظ القرآن (بی‌تا). ذیل واژه، دمشق، دارالقرآن.
- شیخ بهایی، بهاء‌الدین العاملی (۱۴۱۰ ق). انتشارات حکمت، بی‌جا.
- شیخ طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۰ ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی به کوشش آقا بزرگ تهرانی، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العربی.
- صیحی سالم (۱۴۱۵ ق). نهج‌البلاغه‌ی حکمت ۳۷۴، چاپ اول، تهران، دارالاسوه.
- صلواتی، محمود (بی‌تا). مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر دراسات فی ولایه الفقیه، جلد ۳ (دوره‌ی ۸ جلدی)، چاپ سوم، تهران، نشر سرایی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (علامه) (۱۴۰۲ ق).
- علامه حلی، الحلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ق). مختلف‌الشیعه فی احکام‌الشریعه، جلد ۴، چاپ اول، قم، به کوشش مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، دفتر تبلیغات اسلامی.
- لنجفی، الشیخ محمد حسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی الشرح شرایع الاسلام، جلد ۲۱، (دوره‌ی ۴۳ جلدی)، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر (۱۳۸۹ ق). شرایع‌الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام، جلد اول (دوره‌ی دو جلدی)، چاپ اول، تهران، اعلمی.
- محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۵). دائره‌المعارف القرآن کریم، جلد ۴، چاپ اول، قم، مؤسسه‌ی بوستان کتاب.
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹ ق). داراسات فی‌الولایه الفقیه و فقه‌الدوله الاسلامیه، جلد دوم (دوره‌ی ۴ جلدی)، چاپ دوم، قم، مرکز‌العالمی‌الدراسات‌الاسلامیه.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۶). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهل و نهم، تهران، مؤسسه‌ی انتشارات آگاه.
- موسوی‌الخمنی (امام خمینی)، روح‌الله (۱۳۶۳). تحریر الوسیله، جلد اول (دوره‌ی دو جلدی)، چاپ اول، قم، مؤسسه‌ی نشر اسلامی.

- وکیل، امیرساعد و عسگری، پوریا (۱۳۸۸). قانون اساسی در نظم حقوق کنونی، زیر نظر عباس کدخدایی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۵). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، (دوره ۲ جلدی) قم، مجتمع آموزش عالی قم (پردیس دانشگاه تهران).
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲). جلد ۴، دوره ۳۳ جلدی، چاپ اول، قم، مؤسسه‌ی بوستان کتاب.